



**استشهادنامه‌های ایران دوره اسلامی**  
**جلد اول**  
**(رهیافت‌ها و رویکردهای نظری)**

دکتر حسن زندیه  
مریم بلندی

پاییز ۱۴۰۰

زندیه، حسن، ۱۳۴۵-  
استشهادنامه‌های ایران دوره اسلامی / حسن زندیه و مریم بلندی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.  
ج: نمونه. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۷۹: تاریخ اسلام؛ ۱۲۶)  
ISBN: 978-600-298-350-3 ج: ۱  
دوره: 978-600-298-354-1-1  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه. ص. [۱۱۵]-۱۲۰.  
نمایه  
مندرجات: ج ۱. رهیافت‌ها و رویکردهای نظری. -  
۱. گواهی و گواهان -- ایران. ۲. Witnesses--Iran. ۳. گواهی و گواهان (فقه). ۴. Witnesses (Islamic law).  
الف. بلندی، مریم، ۱۳۶۴- . ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
د. Institute for Humanities and Cultural Studies. ه. عنوان  
KMH۱۷۷۷ ۳۴۷/۵۵۰۶۶  
شماره کتابشناسی ملی ۷۵۵۷۴۷۸



### استشهادنامه‌های ایران دوره اسلامی؛ جلد اول (رهیافت‌ها و رویکردهای نظری)

مؤلفان: دکتر حسن زندیه (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) و مریم بلندی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات)

۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵.

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: http://rihu.ac.ir/fa/book

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

\*\*\*

تهران: بزرگراه کردستان، خیابان دکتر صادق آئینه‌وند (۶۴ غربی)، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱

Info@ihcs.ac.ir

## سخن ناشران

نیاز گسترده جوامع علمی حوزوی و دانشگاهی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی، حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با یاری و همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرار و موازی‌کاری جلوگیری شود. از این‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای نیل به هدف یادشده، نخستین کار مشترک خود را با عنوان استشهادنامه‌های ایران دوره اسلامی (زهیافت‌ها و رویکردهای نظری) به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

کتاب حاضر به‌عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان و نیز طلاب رشته‌های تاریخ اسلام و ایران به‌ویژه گرایش اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی، تاریخ فرهنگ و تمدن، فقه و مبانی حقوق اسلامی و حقوق تألیف شده است. امید است اثر حاضر، مورد توجه استادان، و دانشجویان و محققان رشته‌های یادشده و عموم علاقه‌مندان قرار گیرد.

در پایان لازم می‌دانیم از مؤلفان گرامی اثر، جناب آقای دکتر حسن زندیه و سرکار خانم مریم بلندی و نیز ارزیاب ارجمند جناب آقای دکتر محسن روستایی قدردانی و سپاسگزاری نماییم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



## فهرست مطالب

پیش درآمد.....	۱
ساختار کتاب و گزارش محتوا.....	۳

### فصل اول: بررسی اجمالی مسائل فقهی و حقوقی استشهادنامه‌ها

درآمد.....	۷
۱-۱. تعریف لغوی عقد.....	۸
۲-۱. تعریف اصطلاحی عقد.....	۸
۳-۱. تفاوت بین عقد و ایقاع.....	۸
۴-۱. تعریف لغوی شهادت.....	۹
۵-۱. تعریف اصطلاحی شهادت.....	۹
۱-۵-۱. شهادت از دیدگاه عرف.....	۹
۲-۵-۱. شهادت از دیدگاه حقوقی.....	۱۰
۳-۵-۱. شهادت از دیدگاه فقهی.....	۱۰
۶-۱. تعریف و مفهوم استشهادیه.....	۱۱
۷-۱. احکام شهادت دادن در فقه اسلامی.....	۱۲
۱-۷-۱. فرق بین شهادت و بیّنه.....	۱۳
۲-۷-۱. ارکان شهادت.....	۱۳
۳-۷-۱. شرایط شهود.....	۱۴
۴-۷-۱. شرایط شهادت.....	۱۷
الف) شهادت با قطع و یقین.....	۱۸
ب) مطابقت با دعوی.....	۱۸
ج) توافق در معنی.....	۱۹
۵-۷-۱. شهادت بر شهادت.....	۱۹
۶-۷-۱. اهمیت شهادت.....	۲۰
۷-۷-۱. رجوع از شهادت.....	۲۰

۲۱	۸-۷-۱. نصاب در شهادت
۲۲	۹-۷-۱. چگونگی ادای شهادت
۲۳	۱۰-۷-۱. منع اجبار اشخاص به شهادت در قانون اساسی
۲۳	۱۱-۷-۱. آثار بعد از ادای شهادت
۲۳	۸-۱. شهادت دروغ
۲۷	۹-۱. وجوب شهادت و رعایت احکام و مبانی فقهی آن از دیدگاه قرآن و سنت
۲۷	۱-۹-۱. از دیدگاه قرآن
۳۴	۲-۹-۱. وجوب شهادت از دیدگاه سنت
۳۴	۱۰-۱. مسئله استشهاد زنان

### فصل دوم: پیشینه و تحول معنایی و مفهومی شهادت و استشهادنامه

۴۹	درآمد
۴۹	۱-۲. روند تاریخی شهادت
۵۴	۱-۱-۲. شهود دارالقضاء
۵۴	۲-۱-۲. معدل
۵۵	۳-۱-۲. مزگی
۵۷	۲-۲. پیشینه استشهادنامه نویسی

### فصل سوم: راهکارهای شناخت استشهادنامه‌ها و کاربرد آنها

۷۷	درآمد
۷۸	۱-۳. معیارهای شناخت استشهادنامه
۸۰	۲-۳. تفاوت شهادت نامه و استشهادنامه
۸۶	۳-۳. کاربرد استشهادنامه‌ها
۹۱	۴-۳. نمونه‌های فرضی
۹۲	نسخه شماره ۱
۹۲	محضر در صلاح کسی:
۹۳	نسخه شماره ۲
۹۳	صورت محضر:
۹۵	نسخه شماره ۳
۹۵	نسخه شماره ۴

### فصل چهارم: تحول نظام قضایی

۹۹	درآمد
۹۹	۱-۴. شیوه‌های رسیدگی به دعاوی (اعم از شرعی و عرفی) از آغاز دوران اسلامی تا دوره قاجار
۱۰۱	۲-۴. تغییر و تحول نظام قضائی در دوره قاجار

۱۰۴.....	شيوه‌های ثبت اسناد تا آغاز مشروطیت.....
۱۰۷.....	سبک و سیاق ثبت اسناد در دفتر شرعیات شیخ فضل‌الله نوری.....
۱۰۸.....	سبک و سیاق ثبت اسناد در دفتر شرعیات سید صادق طباطبایی سنگلجی.....
۱۰۹.....	قانون جدید ثبت اسناد پس از مشروطیت.....
۱۱۲.....	سخن پایانی.....

### منابع و مأخذ

۱۱۵.....	اسناد.....
۱۱۵.....	فرهنگ‌ها.....
۱۱۵.....	کتب فارسی.....
۱۱۸.....	مقالات فارسی.....
۱۱۹.....	کتب عربی.....
۱۲۰.....	نشریات و روزنامه‌ها.....
۱۲۰.....	کتب و مقالات زبان لاتین.....

### نمایه‌ها

۱۲۱.....	نمایه آیات.....
۱۲۲.....	نمایه اشخاص.....
۱۲۶.....	نمایه مکان.....





## پیش درآمد

استفاده از سند به عنوان مدرک، سابقه‌ای بس طولانی دارد؛ در ایران پیش از اسلام، توسل به اسناد و مدارک معمول بوده و پاره‌ای از قراردادها و معاملات حقوقی به تحریر درآمده است. با استقرار حاکمیت اسلام، وحی و سنت نبوی، با استناد به آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ از سوره بقره و توصیه به نوشتن و تقریر در معاملات، راه استفاده از سند در روابط حقوقی گشوده شد. زین پس، در ایران، سند به صورت‌های مختلف، مبنای معاملات بوده و راه تکامل را همراه با تحولات حقوقی و قضائی پیموده است.

اسناد به علت اصالت و اعتبارشان بر بسیاری از منابعی که در تحقیقات تاریخی به کار می‌روند برتری دارند و تدوین تاریخ‌نگاری مستند و دقیق، نیازمند اسناد و مدارکی است که با رویداد و زمان وقوع فعالیت‌های اجتماعی و دیوانی به رشته تحریر درآمده‌اند و به عبارتی منبع دست اول یا اولیه به شمار می‌آیند.

اسناد به دو دسته دیوانی و شرعی تقسیم می‌شوند. در زمینه اسناد دیوانی، کتب ارزشمندی از جمله پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی اثر هریرت بوسه و مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف جهانگیر قائم مقامی نگارش یافته‌اند؛ اما اسناد شرعی برخلاف اسناد دیوانی، کمتر مورد پژوهش قرار گرفته‌اند که با توجه به غنی بودن این اسناد از اطلاعات فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و... و آسان‌تر شدن دسترسی پژوهشگران این عرصه‌های علمی، پژوهش در این حوزه، ارزش زیادی پیدا کرده است.

اسناد شرعی یا نوشتجات شرعی، آن دسته از اسنادی هستند که از مباحث و احکام فقه و شرع برآمده و از سوی علما و اشخاص ذی‌صلاح، مطابق با رسوم نگارش اسناد هر دوره تنظیم شده‌اند و بسته به نوع عقد، انشعابات گوناگونی می‌یابند، مانند: نکاح‌نامه، مصالحه‌نامه، استشهدنامه،

شهادت‌نامه، مبیعه‌نامه و...؛ به‌طور معمول، زبان معیار اسناد و ادله‌های شرعی، زبان خاصی موسوم به زبان حقوقی است که در نتیجه تنوع و تعدد روابط اجتماعی شکل می‌گیرند. هدف از نگارش این کتاب، معرفی یکی از انواع اسناد شرعی، تحت عنوان «استشهدانامه» است و مجموعه‌ای از اسناد و مدارک استشهادی متعلق به ایران پس از اسلام با تکیه بر دوره معاصر را شامل می‌شود.

استشهدانامه‌ها، گونه‌ای از اسناد و ادله‌های شرعی هستند که حاوی مطالب و نکات بسیاری درباره مسائل زندگی روزمره طبقات گوناگون جامعه می‌باشند.

آنچه باعث اهمیت این موضوع می‌شود، این است که با توجه به اینکه استشهاد و طلب شهادت، همواره دارای اهمیت تاریخی-حقوقی بوده، می‌تواند برای پژوهشگران عرصه‌های تاریخ، حقوق، ادبیات و حتی جغرافیای تاریخی سودمند باشد؛ یک استشهادیه نه تنها در زمان جاری بودن خود جنبه حقوقی دارد، بلکه به‌عنوان یک عقد و قبالة تاریخی نیز می‌تواند همچنان جنبه حقوقی داشته باشد و با ارزشیابی دقیق اسناد در تشخیص اصالت، خوانش، اصطلاح‌شناسی و آشنایی با زبان معیار سند، اعم از تاریخی، فقهی و سندشناسی، مسائل مطرح شده را حل و فصل نماید.

نشر این اسناد معتبر و منحصر به فرد، بسیاری از حقایق جامعه را که در پشت پرده تردید و ابهام قرار دارند، در اختیار محققان قرار می‌دهد. امید می‌رود که انتشار این‌گونه آثار، محققان را در استفاده از داده‌های مندرج در اسناد ایران‌شناسان، تاریخ‌نویسان، حقوقدانان راهنما باشد و موجب توسعه آشنایی با تاریخ و فرهنگ و هنر و ادبیات ایران شود.

امروز مفهوم سندشناسی به‌عنوان یک دانش و تخصص مرتبط با تاریخ مطرح است. با این حال استشهدانامه‌ها به همراه بسیاری از عقود شرعی دیگر، مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گرفته اند؛ چرا که ورود به عرصه سندشناسی و سندخوانی، به نوعی مهارت و ممارست نیاز دارد و جسارت بسیاری می‌طلبد؛ جسارت روبه‌رویی با مسائلی از جمله: دسترسی نداشتن مستقیم به اصل اسناد، مشکلات عدیده در بازخوانی و بازنویسی اسناد، آشنا شدن با معانی و مفاهیم فقهی-حقوقی اسناد، عربیت و ادبیت آنها، دشواری و پیچیدگی در خطوط به‌کار رفته، یک دست نبودن فهرست‌نویسی اسناد و مواردی دیگر از این دست.

مشکل نخست در این پژوهش که جهت آن، تعداد کثیری از استشهدانامه‌ها، از مراکز آرشیوی و معتبر، شناسایی و گردآوری شده است، برخی خطاهای فهرست‌نویسی است که به

اشتباه، اسنادی چون شهادت‌نامه، عریضه، کارنامه، حکم قاضی و... تحت عنوان استشهدانامه تنظیم و توصیف شده‌اند. از دیگر مشکلاتی که در استشهدادیه‌ها نمود بیشتری دارد، سبجالات و تحشیه‌نویسی‌های دشوار و متعدد جهت درج شهادت گواهان است. بنابراین، پژوهش حاضر، به دلیل مشکلات بیان شده و نشده، بدون شک دارای کاستی‌هایی است که امید است از جانب استادان دانشمند و فرزانه تاریخ، حقوق، فقه و علم‌سندشناسی به دیده اغماض نگریسته شود.

### ساختار کتاب و گزارش محتوا

با توجه به آنچه گذشت، کتاب حاضر، صرف‌نظر از دیباچه، به هفت فصل اصلی تقسیم و در دو جلد تدوین شده است:

**فصل اول:** با عنوان بررسی اجمالی مسائل فقهی و حقوقی، در حد امکان تلاش شده، با بهره‌مندی از برخی منابع و مآخذ فقه امامیه و نظرات محققان و اندیشمندان دینی، اعم از متقدمان و متأخران، که در خصوص موضوع شهادت به صورت استنباطی و استدلالی بحث کرده‌اند، مطالب شایسته‌ای ارائه شود؛

**فصل دوم:** پیشینه و تحول معنایی و مفهومی شهادت و استشهدانامه است که در آن سیر تحول شهادت و استشهدانامه‌نویسی در ایران بررسی می‌شود؛

**فصل سوم:** با عنوان راهکارهای شناخت استشهدانامه‌ها و کارکرد آنها، به بررسی معیارهای شناخت استشهدانامه، نمونه‌های فرضی اسناد مندرج در جنگ‌ها و منشآت، کارکرد و موارد استفاده استشهدانامه‌ها و نیز تفاوت‌های آن با گونه دیگری از شهادت‌نویسی پرداخته است؛

**فصل چهارم:** با عنوان تحول نظام قضائی و ثبت اسناد در ایران، شمه‌ای از تاریخ حقوقی-قضائی ایران، گردش کار محکمه و شیوه‌های رسیدگی دعاوی در دادگاه‌های ایران، با ابتنای به استشهدانامه‌ها، بررسی شده است؛

سایر مطالب در جلد دوم ارائه خواهد شد و فصل دوم عبارت‌اند از:

**فصل اول:** با عنوان ساختار محتوایی استشهدانامه‌ها، به بررسی ساختار سندشناسی، تجزیه و تحلیل محتوای استشهدانامه‌ها پرداخته و دارای یک مقدمه و دو بخش متن و حاشیه است؛

**فصل دوم:** این فصل، از جمله فصول مهم کتاب، از جهت ساختار صوری و ظاهری اسناد مندرج در فصل آخر است و دارای یک مقدمه، محتوا و حاشیه است.

**فصل سوم:** فصل پایانی، به تصاویر اسناد و بازنویسی آنها اختصاص دارد که از مراکز آرشیوی مختلف، با قید تنوع موضوعی، محتوایی، تاریخی و... برای فهرست‌نویسی انتخاب شده‌اند. در واقع پایه و مایه پژوهش حاضر را همین گردآوری و طبقه‌بندی اسناد تشکیل داده و اساس توصیف‌ها و تحلیل‌های فصول پنج و شش است. در ابتدای هر بازنویسی، شناسنامه اسناد، ارائه و پس از بازنویسی متن سند، تصویر آن مندرج شده است. سبک بازنویسی اسناد، بدین ترتیب است که متن سند به همراه اضافات و حواشی آن ذکر گردیده است. روشی نیز که در ترتیب مجموعه اسناد به کار رفته، مبتنی بر نظم منطقی از لحاظ قدمت تاریخی استشهدنامه‌ها بوده است؛ در این بخش، اسناد شماره‌گذاری شده و در تمامی توصیف‌ها و تحلیل‌ها و مستندات، فصول پنجم و ششم، شماره‌های زیرنویس شده، شماره اسنادی هستند که در این فصل آمده‌اند.

در انتها، منابع و مآخذی ارائه گردیده که در این پژوهش از آنها استفاده شده است تا مخاطبین و خوانندگان گرامی بتوانند با بهره‌جویی از آنها، اطلاعات بیشتری را در این زمینه کسب نمایند. در پایان، نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از مسئولان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه گروه تاریخ و نیز از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین، دکتر رمضان محمدی، مدیر محترم گروه تاریخ که زمینه انتشار اثر را به وجود آورد، سپاسگزاری نمایند، همچنین از مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی، ریاست محترم و جناب آقای دکتر علیرضا ملائی توانی، معاون محترم پژوهشی که موافقت خود را با انتشار اثر اعلام داشتند، تشکر نمایند. در این مجال فرصت را مغتنم می‌شماریم و از جناب آقای اسماعیل یارمحمدی، کارشناس مسئول گروه تاریخ که افزون بر امور اداری، زحمت ویرایش، نمایه‌گیری و خوانش نهایی متن را به عهده داشته‌اند، سپاسگزاری کنیم؛ همچنین از آقایان دکتر محسن روستایی، ارزیاب محترم و نیز سیدمحمدصادق ابراهیمیان و حسین احمدی رهبریان، سندپژوهان ارجمند که در خوانش اسناد، حسن همکاری را مبذول داشتند، کمال تشکر را داریم.

**حسن زندیه**

**مریم بلندی**

فصل اول

**بررسی اجمالی مسائل فقهی و حقوقی  
استشهادنامه‌ها**



## درآمد

ارائه میزانی از اطلاعات و پیش زمینه‌ها برای مخاطب، جهت شناخت کلی قواعد و اصول نگارش عقود شرعی، چه از منظر مباحث فقهی و چه از منظر جنبه‌های مرتبط با پردازش اسناد، لازم و ضروری است. در این فصل، در حد امکان سعی شده با بهره‌مندی از آیات قرآنی، فقه اسلامی و نظرات محققین و اندیشمندان اسلامی، که درخصوص موضوع شهادت به صورت استنباطی و استدلالی بحث نموده‌اند، واژگان و مفاهیم فقهی شهادت و استشهاد و مسائل پیرامون آنها مورد تعریف و بررسی قرار گیرد. در اینجا، مراد از فقه، اعم از فقه شیعه یا سنی است بلکه فقه به صورت عام در نظر گرفته شده است.

فقه، دانش به‌دست آوردن احکام شرعی است که به روش‌های معینی از منابع فقه یعنی: کتاب، سنت، اجماع و عقل استنباط می‌شوند. این دانش از آن جهت که از منبع وحی نشئت می‌گیرد، جوهره‌ای ثابت دارد، اما از آن جهت که با رحلت پیامبر اسلام ﷺ، منبع اتصال به وحی قطع شد و سؤال‌های جدیدی طی گسترش تمدن و ممالک اسلامی مطرح شد که می‌بایست برای آنها پاسخی شرعی ارائه شود، از این‌رو، استنباط و اجتهاد براساس کتاب و سنت پایه‌ریزی شد و فقهای اهل سنت در پویایی آن تلاش بسیار کردند.

در مورد فقه شیعه نیز باید اذعان داشت که به‌واسطه روایات زیادی که از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در موضوعات و مسائل مختلف وارد شده بود؛ اندیشه‌های فقهی بسیار غنی‌تر گشته و در عین حال، شیعه خود را نیازمند اجتهاد دانسته و علما، فقها و حقوق‌دانان بسیاری از شیعیان، عمر خویش را در توسعه و گسترش این دانش مشروف داشته و در پویایی آن نقش بسزایی را ایفا نموده‌اند.

### ۱-۱. تعریف لغوی عقد

«عقد» در لغت، به معنای گره زدن، بستن، محکم و قطعی کردن هر چیزی است و لغت مقابل آن «حَلَّ و گشودن» است.<sup>۱</sup> جمع آن عقود و خداوند نیز در قرآن کریم با جمله ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾<sup>۲</sup> عمل به پیمان‌های صحیح و انسانی را واجب کرده است.

### ۱-۲. تعریف اصطلاحی عقد

عقد در اصطلاح، عبارت است از ایجاب و قبول با ارتباطی که شرعاً معتبر است و معامله‌ای است که وقوع آن، وابسته به دو طرف است؛ چنان‌که در بیع، وصیت، نکاح، شهادت، صلح و... است، یکی آن را واقع می‌سازد و دیگری قبول می‌کند و بدون توافق دو طرف، نمی‌توان اثری به وجود آورد که مورد قبول قانون یا عرف و عادت یا عقل و اخلاق حسنه باشد. در زبان شرع نیز، به معنای قرارداد و پیمان بستن است.<sup>۳</sup>

### ۱-۳. تفاوت بین عقد و ایقاع

معاملات و داد و ستدها شامل دو بخش عقود و ایقاعات هستند. ملاک تفاوت آنها این است که بدون توافق طرفین، امکان ثبوتی که قانون و عرف آن را بپذیرند وجود ندارد.<sup>۴</sup> اما ایقاع عملی است، قضائی و یک طرفه که یک طرف برای وقوع آن کافی و قابل فسخ است، همانند: طلاق، عتق، نذر و به صرف قصد انشا و رضای یک طرف، منشأ حقوقی شود، بدون اینکه تأثیر یک طرفی قصد و رضای مذکور، ضرری به غیر داشته باشد مگر در مواردی مانند طلاق.<sup>۵</sup>

---

۱. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه عقد.

۲. ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید (مائده، ۱).

۳. سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ذیل واژه عقد.

۴. همان‌گونه که پیشتر بیان شد، استشهادهای در زمره اسناد شرعی قرار دارند و بنابراین، از جمله عقود هستند.

۵. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوقی، ج ۱، ذیل واژه ایقاع.



#### ۱-۴. تعریف لغوی شهادت

شهادت اسم مصدر و کلمه‌ای عربی است؛ در لغت به معنای حضور<sup>۱</sup> و مشاهده چیزی است که بر آن آگاه است.<sup>۲</sup> معادل فارسی آن گواه است.

#### ۱-۵. تعریف اصطلاحی شهادت

شهادت یکی از ادله اثبات دعوی است،<sup>۳</sup> اعم از جزائی و حقوقی، با سابقه‌ای بسیار طولانی و عبارت است از اینکه شخصی به نفع یکی از اصحاب دعوی<sup>۴</sup> و بر ضرر دیگری اعلام اطلاع و خبر از وقوع امری<sup>۵</sup> به قصد شرکت در احقاق حق یا صورت دادن وظیفه‌ای شرعی در خصوص مورد شهادت دهد و تنها راه عمومی است که در همه اوضاع و شرایط می‌توان به وسیله آن حوادث را ضبط کرد.<sup>۶</sup>

حسین بروجردی در منابع فقه شیعه، ترتیب فقهی ادله اثبات دعوی را به این ترتیب ذکر کرده است: ۱. اقرار؛ ۲. علم قاضی؛ ۳. شهادت شهود؛ ۴. قسم؛ به نوشته وی، قاضی بعد از طرح دعوی جزمی مدعی در دادگاه و تقاضای صدور حکم از طرف او به سراغ ادله دعوی می‌رود و اساس این ادله در منابع فقه شیعه در کتاب قضاء و شهادت تدوین شده است.<sup>۷</sup>

#### ۱-۵-۱. شهادت از دیدگاه عرف

شهادت عبارت است از، اظهار و اعلام یک یا چند نفر، به نفع یکی از اصحاب دعوی و بر ضرر دیگری، بر وقوع یا وجود امر محسوسی که در گذشته یا حال، به واسطه حواس پنجگانه ادراک می‌شوند. شهادت بر وقوع امضاء یا مهر سند از شخص معین که ناشی از حس باشد، مشمول عنوان شهادت است و آثار قانونی آن را دارد.<sup>۸</sup>

۱. النجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۷.
۲. جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۵، ص ۱۸۳.
۳. آنچه از مقررات نوشته یا عرفی که در مقام اثبات امری از امور در مراجع قضایی به کار رود، خواه آن امور از دعاوی باشند، خواه نه. مانند شهادت و امارات و قسم و سند و اقرار.
۴. منازعه در حق معین را می‌گویند.
۵. مدنی، مبانی و کلیات علم حقوق، ص ۲۸۲.
۶. طباطبایی، آموزش دین، ص ۴۱۵.
۷. بروجردی، منابع فقه شیعه، ترجمه جامع الأحادیث، ج ۳۰، ص ۱۱.
۸. جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۵، ص ۱۸۳.

### ۱-۵-۲. شهادت از دیدگاه حقوقی

شهادت یکی از ادله اثبات دعوی، اعم از جزائی-حقوقی و تنها راه عمومی است که در همه اوضاع و شرایط می‌توان به وسیله آن، حوادث را ضبط کرد.<sup>۱</sup> در قانون مدنی ایران، در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، دلایل اثبات دعوی را پنج چیز شمرده که یکی از آنها شهادت است. «شهادت» مطابق ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی بعد از اقرار<sup>۲</sup> و اسناد کتبی، به‌عنوان دلیل سوم اثبات دعوی قلمداد شده و در اهمیت جایگاه آن همین کفایت که سنگین‌ترین جرایم و بزرگ‌ترین قراردادهای با شهادت شهود قابلیت اثبات دارند، ضمن اینکه موازین شرعی برای ادای شهادت مکلفین، واجد مقررات ویژه‌ای است<sup>۳</sup> و مواد ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰ قانون مدنی و نیز ۴۰۷ تا ۴۲۵ از قانون آیین دادرسی مدنی، مربوط به شهادت است. در قانون مجازات اسلامی نیز ماده ۷۵۰ قانون مدنی به این مسئله پرداخته است.<sup>۴</sup> بدین لحاظ، شهادت «اخبار به حق است به نفع غیر و ضرر دیگری از روی جزم و یقین.»<sup>۵</sup> یا به بیان دیگر: «اظهارات اشخاص است خارج از دعوی، که امر مورد اختلاف را دیده یا شنیده یا شخصاً از آن آگاه شده‌اند.»<sup>۶</sup>

### ۱-۵-۳. شهادت از دیدگاه فقهی

«شهادت در فقه از مباحث احکام است»<sup>۷</sup> و با توجه به اینکه تعریف شرعی از شهادت در فقه نشده است، بعضاً در کتب فقهی امامیه، تنها بر معنای «خبر قطعی دادن از چیزی»<sup>۸</sup> اکتفا شده است.

۱. طباطبایی، آموزش دین، ص ۴۱۵.
۲. اقرار عبارت است از اخبار به حق به نفع غیر و به زیان خود. ر.ک: همان.
۳. عظیمیان، «قلمرو اعتبار و پذیرش شهادت‌نامه»، کانون، شماره‌های ۱۲۶ و ۱۲۷، ص ۱۶.
۴. مدنی، ادله اثبات دعوی، ص ۱۹۵-۱۹۷.
۵. حسینی اشکوری، اسناد شرعی در کتابخانه میرزا محمد کاظمینی، ص ۹۹.
۶. صدرزاده افشار، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، ص ۱۵۱.
۷. رضایی، درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، ص ۱۷۶.
۸. معلوف، المنجد فی اللغة و الاعلام، ذیل ماده شهد و النجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۷.

## ۱-۶. تعریف و مفهوم استشهدان‌نامه

استشهدان‌نامه پرسش مکتوب فردی است و پاسخ جمعی با شرایط خاص، که در جریان امر شناخته شده‌ای بوده‌اند. معمولاً کسی که سؤال را مطرح می‌کرده، از خود نام نمی‌برده و اغلب تاریخ تحریر را نیز نمی‌نوشته است.<sup>۱</sup>

از این نوشته با اسامی شهادت‌نامه، استعلام‌نامه، استشهدان‌نامه، استشهدان‌نامه‌چپه، ورقه استشهد، استخبارنامه، گواهی‌نامه، تصدیق<sup>۲</sup> و فتوی‌نامه نام برده شده است؛ در قدیم نیز آن را محضر می‌نامیدند.<sup>۳</sup>

شایان ذکر است که با توجه به اینکه استشهدان‌نامه‌ها اغلب با عبارات مختلفی مانند: استشهد، استعلام، استخبار، استفهام، استفسار و استکشاف شروع می‌شوند، لذا نامگذاری استشهدان‌نامه با این عناوین که کاربرد متردافی با لغت استشهد در این اسناد دارند نیز می‌تواند صحیح باشد، لیکن ثبت عناوینی مانند شهادت‌نامه، گواهی‌نامه و تصدیق بجای استشهدان‌نامه که هر کدام، اسنادی منحصر به فرد با ساختار درونی و بیرونی متفاوت هستند خطبی است که گاهی پژوهش‌گران را با آن مواجه می‌سازد.

در برخی کتاب‌ها و متون قدیمی، به کرات از واژه استشهد استفاده شده است که اغلب معنایی جز طلب شهادت گروهی دارد، بلکه منظور، به شهادت گرفتن آیات و احادیث، نکات ادبی یا تاریخی، کلام، شعر و مواردی دیگر برای یک ادعا است و بیشتر جنبه تمثیلی یا وقایع‌نگاری دارد. به عنوان نمونه در بخشی از ترجمه تاریخ یمنی، یک آیه به استشهد گرفته شده است:

«و بأزمنة احسان و انعام و أعتنه إلفاف و إكرام منقاد شود و بیک جفا متنكر گردد و مشارع الفت متكدّر شود، و بدین آیت استشهد کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾<sup>۴</sup> در واقع این آیه، به جهت تأیید و تکمیل و استشهدا بوده است.

۱. رضایی، درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، ص ۱۷۶.

۲. در لغت‌نامه دهخدا در باب تصدیق آمده است که شهادت‌نامه در اصطلاح دانشگاهی، تصدیق‌نامه‌ای است، دائر به گذراندن ماده‌ای از دروس یا واحدی از دروس و قبول شدن در امتحان آن ماده یا واحد درس (علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه استشهدان‌نامه). به موجب ماده ۲۸۲ قانون اصل محاکمات موقت ۱۳۲۹ قمری و حکم تمیزی شماره ۷۲۷۸ مورخ ۱۳۱۰/۱۲/۱۲، تصدیق، ماهیت استشهدان‌نامه را ندارد و تصدیق دوایر دولتی، در حدود صلاحیتی که دارند بدون هیچ شرطی رسمی شناخته می‌شوند و نباید آن را به منزله شهادت قرار داد و بر آن اثر شهادت مترتب شد.

۳. در بخش تاریخچه استشهدان‌نامه‌نویسی بیشتر به این مبحث پرداخته شده است.

۴. عتبی، ترجمه تاریخ یمنی، ص ۲۴۱.

یا خواندمیر، ذیل ذکر پادشاهی علاءالدین بن حسین غوری نوشته است:  
«زمره‌ای از مورخان گفته‌اند که نام علاءالدین، حسین است و طایفه‌ای بر آن رفته‌اند که او را  
حسن نام بوده و جدش نیز حسن نام داشته نه سام و فرقه اول، این بیت او را به استشهاد  
آورده‌اند که:

گر غزنین را ز بیخ و بن بر نکنم      من خود نه حسین بن حسین حنم<sup>۱</sup>

### ۱-۷. احکام شهادت دادن در فقه اسلامی

از آنجایی که شهادت دادن مقدمه‌ای برای تولید سند نویسی استشهدان‌نامه بوده و رکن اصلی و  
محل اعتبار سند استشهادیه، شهود و شهادت‌های آنها است، در ادامه، مبانی فقهی شهادت  
توضیح داده شده است؛ نظرات محققان و اندیشمندان فقه امامیه، اعم از متقدمان و متأخران که  
در خصوص موضوع شهادت، به صورت استنباطی و استدلالی بحث نموده‌اند، ادله اربعه  
(کتاب، سنت، عقل و اجماع) و کتب و متون تاریخی، ملاک و منبع اصلی استدلال‌ها و دیدگاه  
های این بخش است.

شهادت عبارت است از اینکه شخص به نفع یکی از اصحاب دعوی اعلام اطلاع و خبر از  
وقوع امری نماید. ادای شهادت درست، در جوامعی که افراد مقید به راستگویی هستند و آن را  
تکلیف خود می‌دانند، می‌تواند در احیای حقوق فردی و عمومی مؤثر واقع شود؛ منتها حدود  
استفاده از آن و درجه اعتبار و ارزش آن متفاوت است؛ زیرا با توجه به اینکه، شهادت متکی بر  
حواس شخص و حافظه افراد است، هر گونه خطای حواس و نقصان حافظه می‌تواند به وضع  
شهادت لطمه وارد آورد. به همین جهت، برای شاهد و هم برای شهادت شرایط و ضوابط  
سنگین و دقیقی پیش‌بینی شده و هر کجا شرایط را سخت‌تر و دقیق‌تر قرار داده‌اند، ارزش  
شهادت را بالا برده و برای آن اعتبار زیادتری قائل گردیده‌اند.

---

۱. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۲، ص ۶۰۲.

### ۱-۷-۱. فرق بین شهادت و بیّنه

در تعریف لغوی بیّنه گفته شده است: «دلیل و حجت»<sup>۱</sup> و در جایی دیگر، معنای لغوی آن این گونه نقل گردیده است: «هر چه که حقیقتی را بیان و ثابت کند.»<sup>۲</sup> قریب به اتفاق علما و فقها، لفظ بیّنه را کاملاً مترادف با شهادت دو شاهد عادل مرد تلقی کرده‌اند و در عبارات خود گاهی بیّنه و گاهی شهادت می‌آورند مانند ابن‌قدامة که بیّنه را همان شهادت شهود عنوان کرده است. در این تعبیر، دو شاهد مرد به عنوان دلیل قابل قبول و مصداق بیّنه قلمداد شده است که از نظر فقهی، اعتبار مطلق دارد. به این اعتبار در شرایط خاصی به شهادت، اصلاح بیّنه اطلاق می‌شود که از ادلّه و حجّت‌های شرعی محسوب می‌شود.

بیّنه: عبارت است از اینکه دو شاهد عادل، شهادت به امری دهند که حکم شرعی بر آن مترتب گردد.<sup>۳</sup>

این در حالی است که برخی روایات حاکی از این است که بیّنه به معنای مطلق به کار می‌رود و منظور هر چیزی و هر دلیلی است که حقیقتی را بتواند ثابت کند.<sup>۴</sup>

### ۱-۷-۲. ارکان شهادت

شهادت نیز مانند سایر ادلّه اثبات دعوی ارکانی دارد که عبارتند از:

۱. شاهد یا گواه، که اخبار از وقوع امری در گذشته یا حال (از مبصرات یا مسموعات) ارائه می‌نماید، خواه موضوع شهادت را احساس نموده و خواه اطلاع از آن حاصل کرده باشد. به بیان دیگر، شاهد یا گواه ممکن است عینی باشد که مشاهدات خود را نقل کند و نیز ممکن است سمعی باشد که شنیده‌های خود را منتقل سازد و یا شهادت او مستلزم به کارگیری این دو و دیگر حواس باشد؛
۲. مشهودّ به، متعلّق شهادت را گویند و امری است که از وقوع آن در گذشته یا حال، توسط شاهد خبر داده می‌شود. متعلّق شهادت باید از محسوسات باشد؛<sup>۵</sup>

۱. معلوف، المنجد فی اللغة و الاعلام، ذیل واژه بین.

۲. جعفری لنگرودی، «علم آزاد در گردش ادلّه اثبات دعوی»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۱، اسفند ۵۸، ص ۶۲.

۳. عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۴۳.

۴. ر. ک: عربیان، «عدم اختصاص بیّنه به شهادت دو شاهد»، فقه و حقوق اسلامی، ش ۶، ص ۱۶۵-۲۰۶.

۵. چیزی که تحت سیطره حسی از حواس در نیاید، قابل شهادت دادن نیست.

۱۴ استشهدان‌نامه‌های ایران دوره اسلامی (رہیافت‌ها و رویکردهای نظری)

۳. مشهودٌ له، کسی که به نفع او ادای شهادت می‌شود؛

۴. مشهودٌ علیه، کسی که به ضرر او ادای شهادت می‌شود.

به دلیل اهمیت موضوع، هم برای شاهد و هم برای شهادت، شرایط و ضوابط سنگین و دقیقی پیش بینی شده است که در ذیل به بیان آنها پرداخته می‌شوند:

### ۱-۷-۳. شرایط شهود<sup>۱</sup>

شاهد کسی است که نسبت به واقعه‌ای اطلاع و آگاهی دارد و علت اتخاذ این عنوان به این دلیل است که شاهد، واقعه را دیده و با حواس خود درک کرده است و از آنجا که بیشتر محسوسات و اطلاعات انسان از طریق چشم و رویت است از باب تغلیب در مورد مسموعات هم، شهادت گرفته می‌شود.<sup>۲</sup>

در کتاب التوسل الی الترسل بغدادی، ضمن فرامین و منشورهای عدیده، با بیانی سلیس و روان، به حدود وظایف و اختیارات قضات اشاره شده است، از جمله ضمن منشوری که «در حق اقصی القضاة سیف المله والدین خلف الملکی» صادر شده است، پس از مقدمه‌ای طولانی این جملات مشاهده می‌شوند:

«فالرجوع الی الحق خیر و من التمدادی فی الباطل، و می‌فرماییم تا در تعدیل و تزکیه شهود که بنای احکام بر قول ایشان است، احتیاط بلیغ نماید و در استبرا و انتقاد و تعریف حقیقت اعتقاد ایشان حسن کیاست را نماید و صدق فراست را کار بندد و بر قضیت ﴿سُكَّتَبُ شَهَادَتِهِمْ﴾<sup>۳</sup> از کیفیت شهادت ایشان به واجبی برسد... تا محقق نگردد... غرض او از عرض شهادت احتساب آخرتست نه اکتساب اجرت... و اگر بی‌عاقبتی نااهل، از سر جهل، شهادتی برخلاف راستی اقامت کند و استکشاف احوال او را در معرض فضیحت آرد، اگر حاجت آید آن وقیعت به بارگاه ما بردارد تا به واجبی تأدیب آن متعدی لازم داریم...»<sup>۴</sup>

شاهد هشت شرط دارد (مواد ۳۴۴۳-۳۴۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران):

۱. برای آشنایی بیشتر ر.ک: مواد ۳۴۴۳-۳۴۵۱ قانون اساسی، جعفری لنگرودی، مجموعه محشی قانون مدنی، ص ۱۰۸۰-۱۰۸۱.
۲. عمید زنجانی، آیات الأحکام، ص ۳۸۲.
۳. ترجمه: گواهی ایشان به زودی نوشته خواهد شد (الزخرف، ۱۹).
۴. بغدادی، التوسل الی ترسل، ص ۶۶-۶۷.

۱. شاهد باید بالغ، عاقل، عادل، مسلمان، شیعه دوازده امامی و حلال‌زاده باشد: (ماده ۱۳۱۳ قانون اساسی)

باید بالغ باشد: سن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام و در دختران ۹ سال تمام است و اطفالی که به این سن نرسیده‌اند، فقط ممکن است به‌عنوان مزید اطلاع، شهادت آنها را استماع نمود. باید عاقل باشد: اظهارات مجنون قابل اعتماد نیست، ولی هرگاه مجنون گواه ادواری باشد شهادت وی در حال افاقه معتبر است، زیرا قانون می‌گوید: شهادت دیوانه در حال دیوانگی پذیرفته نمی‌شوند.

باید عادل باشد و عدالت خواهی کند: عدالت را این‌طور تعریف کرده‌اند: «عدالت عبارت است از ملکه‌ای است نفسانی که مانع از ارتکاب کبائر و اصرار بر صغائر باشد»<sup>۱</sup> و در اصطلاح فقها، عادل به کسی گفته می‌شوند که مرتکب گناه کبیره نشده و بر گناه صغیره اصرار نرزد. عدالت شاهد باید برای دادگاه ثابت شود، خواه اینکه خود دادرس دادگاه از طریق مجالست و مصاحبت او را به این وصف شناخته باشد یا دو نفر شاهد که مورد اعتماد دادرس هستند، گواهی بدهند یا جامعه او را با متانت و وقار ببیند و کسی به خود اجازه ندهد که او را متهم به گناه بنماید.<sup>۲</sup>

«و کشف عدالت به این معنی حاصل نمی‌شوند مگر به طول معاشرت و آمیزش تا از آن آثار پی به آن ببرند. .... و چون وقوف بر ملکات نفسانی از روی آثار، کار سهل و آسانی نبوده و کشف آن سخت و دشوار است، بعضی از این تعریف عدول کرده و آن را به حسن ظاهر تعریف کرده‌اند. پس عادل کسی است که ظاهر الصلاح باشد یعنی در ظاهر مرتکب معصیتی نشده، خواه دارای این ملکه نفسانیه باشد یا نه. در بعضی احادیث نبوی و اخبار ائمه طاهرين (علیهم‌السلام) روایاتی است قریب به این مضمون: وقتی کسی به شما خبری دهد و دروغ نگوید، وعده‌ای به شما دهد خلف وعده نکند، در معامله با شما ظلم نکند، به او امانتی سپردید به شما خیانت نکند، چنین کسی مروتش ظاهر و غیبتش حرام و بایست او را عادل دانست».<sup>۳</sup>

به هر حال کسانی که عادات و حرکاتشان محل به ناموس اجتماع و مروت باشد یا به دروغ‌گویی و پشت هم اندازی معروف باشند، شهادتشان قبول نمی‌شوند؛ زیرا دارای حسن

۱. عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۴۸.

۲. مدنی، ادله اثبات دعوی، ص ۱۹۵-۱۹۷.

۳. عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۴۸.

ظاهری نبوده و معلوم الحالند. اشکالی که هست در اشخاص مجهول الحال است که با آنها چه معامله‌ای باید کرد و در مورد مجهول الحال، حاکم لامحاله تفتیش و کاوش از حال شاهد خواهد نمود تا به درستکاری و راستگویی او اطمینان کامل حاصل نماید والا از دادن حکم خودداری خواهد نمود. فوت شهود یا غیبت آنها بعد از ادای شهادت نیز مانع از تعدیل و ترکیه آنها نخواهد بود.<sup>۱</sup>

باید با ایمان باشد: منظور از ایمان در مقابل کفر نیست، بلکه ایمان به معنای خاص است که قدر متیقن آن مسلمان بودن و شیعه دوازده امامی است.<sup>۲</sup> در دادگاه اسلامی تنها شهادت مسلمان، له و علیه مسلمان و دیگران معتبر است.

باید ثمره ازدواج صحیح باشد: شاهد باید طهارت مولد داشته باشد. منظور از طهارت مولد این است که شاهد از رابطه نامشروع به وجود نیامده باشد؛<sup>۳</sup>

۲. در شهادت دادن درصدد رساندن نفعی به خود یا دفع ضرری از خود نباشد؛

۳. میان ایشان عداوت دنیوی نباشد، اما بر نفع دشمن مسموع است، اگر دشمنی موجب فسق نشود. بنابراین، عداوت دینی مانع قبول شهادت نیست.<sup>۴</sup> دشمنی بین افراد ممکن است به انگیزه مسائل دینی و اعتقادی باشد؛ مانند کینه و دشمنی که بین پیروان ادیان مختلف وجود دارد و گاهی به جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی می‌انجامد. در این گونه خصومت‌ها، اگر گواه یا شاهد، شرایط دیگر شهادت را دارا باشد، شهادت او پذیرفته می‌گردد، یا با انگیزه امور دنیایی که مواردی را شامل می‌شود که بین شاهدهی که توسط مشهودبه به دادگاه معرفی می‌شود و مشهودعلیه که طرف دعوی است، اختلافی وجود داشته باشد.

دوستی نیز مانع از قبول شهادت نیست. شهادت دوست به نفع دوست منعی از قبول ندارد مگر اینکه دوستی فیما بین بحدی رسیده باشد که تصرف یکی در مال دیگری حاجت به تحصیل اذن نداشته باشد؛<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۲۴۸-۲۵۰.

۲. مگر در امور مالی در صورت ضرورت، غیر مؤمن ذمی عادل می‌تواند شهادت دهد.

۳. مدنی، ادله اثبات دعوی، ص ۱۹۵-۱۹۷.

۴. همان.

۵. عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۴۹.



۴. شاهد زیاد سهو نکند؛

۵. در حقوق النَّاس، بدون طلب حاکم شهادت ندهد؛

۷. سائل به کف نبوده و اهل تکدی‌گری نباشد؛<sup>۱</sup>

۸. کسی نمی‌تواند به امری شهادت دهد جز آنکه برای او علم قطعی به آن امر حاصل شود، با دیدن در آنچه دیدنی است و با شنیدن در آنچه شنیدنی است، مانند صیغۀ معاملات؛ و تا شخص را به عین و نسب نشناسند، درباره او نمی‌توانند شهادت بدهند، مگر آنکه دو عادل او را معرفی کنند.<sup>۲</sup>

از روی اهمیت زیادی که امر شهادت دارد، اغلب استشهدان‌نامه‌های تاریخی، افزون بر طلب استشهد از مؤمنین و مطلعین، معتبرین را نیز مورد تأکید قرار داده‌اند. به عنوان نمونه در یکی از اسناد مکتوب در کتاب حج‌گزاری ایرانیان به روایت اسناد عثمانی و قاجاری، پیرامون طلب استشهد از جمیع حجاج، مستشارالسلطان بر استشهد از معروفین و موثقین حجاج تأکید کرده و شاهد غیر معروف را مورد ایراد قرار داده است.<sup>۳</sup>

#### ۱-۷-۴. شرایط شهادت

تنها کافی نیست که شاهد شرایط لازم را داشته باشد، بلکه برای شهادت هم شرایط و ضوابطی لازم است تا قابل استفاده مؤثر باشد.

همان‌گونه که در شرایط شهود گفته شد، شاهد وقتی می‌تواند به امری شهادت دهد که علم قطعی به مورد شهادت داشته باشد.

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾<sup>۴</sup> از آنچه نمی‌دانی پیروی مکن.

چه آنکه موضوع شهادت از هر حیث اعم از مشهود به و مشهود له و مشهود علیه، باید روشن و معین باشد و تعیین این جهات برحسب اختلاف مقامات، مختلف است و نمی‌شود آن

---

۱. تکدی‌گری: کسی که شغل خود را گدایی قرار داده، نمی‌تواند به‌عنوان شاهد معرفی شود و در صورت معرفی، شهادتش پذیرفته نیست. علت روشن است، فرد متکدی (گدا) همواره انتظار کمک و مساعدت دارد و دستش به سوی دیگران دراز و متقاضی دریافت وجه است و اطمینانی به گفته‌اش نیست و چه بسا با دریافت وجه به دروغ شهادت بدهد و تحت تأثیر قرار بگیرد.

۲. رضایی، درآمدی براسناد شرعی دوره قاجار، ص ۱۷۶.

۳. دوغان، حج‌گزاری ایرانیان به روایت اسناد عثمانی و قاجاری، ص ۴۶۴.

۴. اسراء، ۳۷.

را تحت ضابطی درآورد. به هر حال امر منوط به نظر حاکم است و چنانچه در بعض جهات اجمال و ابهامی مشاهده نماید لا محاله به وسیله استیضاح آن را رفع خواهد نمود.<sup>۱</sup> با فرض اینکه شاهد شرایط لازم را داشته باشد اظهاراتی که می‌کند به چه نحو باید باشد تا حاکم محکمه از آن استفاده کند:

### الف) شهادت با قطع و یقین

شهادت شاهد باید از روی قطع و یقین باشد - اظهار با تردید و شک بلا اعتبار است - بنابراین شهادت شخص نابینا بر موارد دیدنی قابل پذیرفتن نیست، در حالی که در موارد شنیدنی معتبر است.<sup>۲</sup>

و لذا اگر مشهود به، فعلی از افعال باشد مثل قتل و سرقت و رضاع و ولادت، تا شخصی خود نبیند نباید شهادت دهد و در امثال این امور که ملاک حسّ باصره است، شهادتی که مستند به رؤیت نباشد قابل قبول نیست. اما اگر مشهود به از اموری باشد که غالباً به حسّ باصره احساس نمی‌گردد، از قبیل نسب و ملکیت و مطلقه بودن زن هر طریقی که مفید علم باشد از قبیل تواتر و شیاع و استفاضه، برای ادای شهادت کافی است. و اگر مشهود به اقوال باشد، سماع و عیان در تحمّل آن توأم خواهند بود، مثل اینکه به گوش خود بشنود و به چشم خود ببیند.<sup>۳</sup>

### ب) مطابقت با دعوی

شهادت زمانی می‌تواند دلیل دعوی قرار گیرد که با دعوی تطبیق کند، و الا اگر بر اثبات امری غیر مورد ادعا باشد، بلا اثر است و در مواردی که شهادت جزئی از ادعا را ثابت کند، به همان میزان مؤثر است.<sup>۴</sup>

۱. عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۴۶.

۲. مدنی، ادله اثبات دعوی، ص ۲۳۸.

۳. حسینی اشکوری، اسناد شرعی در کتابخانه میرزا محمد کاظمینی، ص ۱۰۰.

۴. مدنی، ادله اثبات دعوی، ص ۲۸۳-۲۸۴.

محمدعبد بروجردی در کلیات حقوق اسلامی در این باره نوشته است:

«شهادتی که موافق با دعوی نباشد، قبول نخواهد شد. پس اگر مدیون ادعا کند که دین خود را ادا نموده و شهود، شهادت برابر ادای دین دهند، شهادت با دعوی مختلف است زیرا ادای غیر از ابراء است. به هر حال، اختلاف شهادت با دعوی در سبب یا مقدار عددی یا اطلاق و تقیید موکول به نظر حاکم است».<sup>۱</sup>

### ج) توافق در معنی

شهادت شهود باید در معنی توافق داشته باشد، لازم نیست الفاظی که شهود به کار می‌برند، یکسان باشد ولی لازم است مفاداً متحد باشد، بنابراین، اگر شهود مخالف هم شهادت دهند، قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از اظهارات آنها قدر متیقن به دست آید. مثلاً اگر در زمان واقعه‌ای، یکی آن را در شب و دیگری در روز بیان کند، شهادت را بی‌اعتبار می‌سازد، اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف موضوع شهادت نباشد، اشکالی ندارد.<sup>۲</sup> پس اگر در نوع مشهود به یا مقدار یا وصفی از اوصاف محسوسه مثل رنگ بین آنها اختلافی باشد مثل اینکه یکی شهادت به پول طلا داده و دیگری به نقره، شهادتشان قبول نخواهد شد.<sup>۳</sup>

### ۱-۷-۵. شهادت بر شهادت

در شهادت بر شهادت کسی که در محضر دادگاه است، شاهد واقعی نیست، خودش موضوع مورد شهادت را ندیده، شاهد اول که دیده برای او نقل کرده و او شهادت را به دادگاه منتقل می‌کند. چه بسا بدون اینکه هیچ کدام عمدی و قصدی در تغییر موضوع داشته باشند، به دلیل غیرمستقیم بودن، مطالب عوض شود و جزئیات به صورت دیگری درآید؛ به همین جهت، قانون می‌گوید شهادت بر شهادت، صورتی مسموع است، یعنی در صورتی شنیده می‌شود که شاهد اصلی فوت کرده یا به واسطه دیگری مانعی مثل بیماری و سفر و حبس (که قابل انتقال به دادگاه نیست) و... نتواند برای شهادت حاضر شود. در چنین صورتی هم شاهد اول و هم شاهد دوم باید واجد شرایط باشند و در مطلب مورد شهادت هم، ضوابط رعایت شده باشد.<sup>۴</sup>

۱. عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۵۹.

۲. مدنی، ادله اثبات دعوی، ص ۲۸۳-۲۸۴.

۳. عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۵۹.

۴. همان، ص ۲۸۴.

### ۱-۷-۶. اهمیت شهادت

نقش شهادت به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعاوی، بسیار برجسته است و سرنوشت جان، مال و ناموس افراد را تعیین می‌کند. یکی از مهم‌ترین تأثیرات آن، کاهش جرم در جامعه بشری است. احساس انسان‌های مجرم‌مبنی بر اینکه شاید افرادی آنها را در هنگام ارتکاب جرم مشاهده کنند، همیشه باعث می‌شوند که ارتکاب جرایم در جامعه محدود باشد<sup>۱</sup> و حتی ممکن است سرنوشت مملکتی را تغییر دهد؛ چنانکه کسروی در کتاب «تاریخ مشروطه ایران»، مدعیست اتهام بدکارگی ام‌الخاقان، مادر محمدعلی‌شاه و رسوا کردن وی و شاه قاجار، از طریق استشهدان‌نامه‌ای که محمدرضا مساوات از اهالی کوچه و بازار جمع کرد، یکی از عوامل نزدیکی محمدعلی‌شاه به روس‌ها شده است وی در این‌باره می‌نویسد:

«محمدعلی‌میرزا بارها این رسوایی را یاد می‌کرده و رنجیدگی خود را باز می‌نموده بدین‌سان دشمن را به خود برمی‌آغالیدند، بی آنکه در اندیشه ایستادگی نیز باشند و نیرو بسنجند. از یکسو مجلس، با محمدعلی‌میرزا آن سست نهادی را می‌نمود و از یکسو روزنامه‌ها این تند‌های بی اندازه را نشان می‌دادند».<sup>۲</sup>

شایان ذکر است که اگر در نظام اسلامی به شهادت، اهمیت زیادی داده شده و مراحل شهادت اعم از طلب شهادت یا استشهاد، تحمل شهادت و ادای آن مورد تأکید قرار گرفته، لیکن باید توجه داشت که متکی بودن امر قضاوت به شهادت، به‌عنوان تنها دلیل دعوی بدون توجه به ادله دیگر و بدون رعایت و اهتمام به مقررات جانبی مانند رعایت عدالت، امانت و دقت، نه تنها عدالت را به ارمغان نمی‌آورد، بلکه خود می‌تواند از عوامل مؤثر در اشاعه ظلم و فساد و ناامنی در جامعه گردد.<sup>۳</sup>

### ۱-۷-۷. رجوع از شهادت

ممکن است شاهد از شهادتی که داده، رجوع نماید یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است، در این صورت به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شوند. رجوع از شهادت نیاز به اثبات ندارد، کافی است شاهد مدعی گردد به جهتی از جهات مثل تطمیع، تهدید یا اشتباه و نظائر آن، شهادت دروغ داده است، در این صورت، دادگاه به چنان شهادتی ترتیب اثر نمی‌دهد و اگر

۱. صانعی، بررسی فقهی شهادت زن در اسلام، ص ۴۴.

۲. کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۵۷۲.

۳. عمید زنجانی، آیات الأحکام، ص ۳۸۰.

حکم صادر شده باشد، در مرحله تجدید نظر فسخ می‌گردد، ولی اگر حکم قطعی شده باشد به لحاظ خدشه‌دار بودن شهادت، اعاده دادرسی قابل پذیرش نیست و فقط زیان دیده می‌تواند خساراتی که از شهادت کذب دیده، از باب تسبیب مطالبه نماید.<sup>۱</sup>

### ۱-۷-۸. نصاب در شهادت

در فقه شیعه افزون بر شرایط شاهد و شرایط مؤدای شهادت، تعداد شاهد هم مورد نظر قرار گرفته و به اعتبار موضوع دعوی، تعداد گواهان فرق می‌کند. شهادت ممکن است در مورد حقوق مالی، حقوق غیرمالی، بدنی، حدود و قصاص باشد و بستگی به موضوع شهادت دارای نصاب و تعداد مخصوص برای اثبات است. در اموری که جنبه خصوصی دارد و اصطلاحاً حَقَّ النَّاسِ اطلاق می‌شوند، گاهی دو شاهد مرد لازم است، مثل طلاق، نسب، گاهی به وسیله دو مرد یا یک مرد و دو زن یا یک شاهد مرد و قسم اثبات می‌گردد که غالب اختلافات مربوط به اموال و معاملات را دربر می‌گیرد، مانند اموال، عقود معاوضی، قرض، رهن، دیون، وصیت تملیکی جرایمی که باعث تأدیه دیه است به همین ترتیب، از شهادت استفاده می‌شوند. - بعضی امور با شهادت مردان یا زنان به تنهایی یا به همراهی گواهی مردان ثابت می‌گردد، مثل ولادت؛ اما در اموری که عنوان حق‌الله دارد، بعضی با چهار شاهد مرد ثابت می‌شوند مثل لواط - بعضی با چهار شاهد مرد یا سه مرد و دو زن که در زنا چنین است و موجب رجم بر محصن می‌گردد و هرگاه دو مرد و چهار زن گواهی دهند مجازات شلاق است و اگر یک مرد و شش زن شهادت بدهند، آن شهادت پذیرفته نیست. در مورد حدود دیگر مثل سرقت و شرب مسکر، به وسیله دو شاهد مرد اثبات می‌گردد. حق‌الله هیچ زمانی به گواهی یک مرد و دو زن یا یک شاهد مرد و قسم و یا گواهی چهار زن ثابت نمی‌گردد.

قانون مدنی عده گواهان را برای اثبات دعوی معین نکرده است، بنابراین، مدعی می‌تواند گواهانی را که دارد، معرفی نماید و دادگاه تا حدی که کافی تشخیص دهد، از آنان استماع شهادت می‌نماید. گاهی اصحاب دعوی یک یا دو نفر گواه دارند و همان افراد را معرفی می‌کنند. اصولاً برای حادثه حقوقی نمی‌توان از قبل گواه تدارک دید. مع‌الوصف در پاره‌ای از

---

۱. امامی، حقوق مدنی، ج ۶، ص ۲۸۴ و برای اطلاع بیشتر ر.ک: عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۵۱-۲۵۲.

دعاوی، قانون حداقل گواه را مشخص کرده است، مثل دعوی اعسار،<sup>۱</sup> که قانون تصریح کرده مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصی را که از وضع معیشت و زندگی او باخبر باشند، به عرض حال خود ضمیمه نمایند.<sup>۲</sup>

یحیی دولت‌آبادی در جلد اول حیات یحیی، نقل می‌کند که در جریان تعیین مکان انجمن معارف، با مفتاح‌الملک دچار اختلاف نظری شد که در این جریان، مخالفین وی اقدام به تهیه استشهدان‌نامه‌ای جهت کوتاه نمودن دست وی از دخالت کردن در کار معارف کردند و از اعضای انجمن معارف طلب استشهاد نمودند که هر کس مطلع است که دولت‌آبادی در امور وزارت معارف دخالت‌هایی می‌کند که به صلاح مملکت و ملت نیست، شهادت دهد؛ لیکن به دلیل نرسیدن به حد نصاب شهود، این استشهادیه به صورت یک ورقه ناکارآمد باقی ماند زیرا امضاکنندگان تنها شامل دو نفر<sup>۳</sup> بودند و اکثریت هواخواه وی بودند.<sup>۴</sup>

### ۱-۷-۹. چگونگی ادای شهادت

شهادت می‌تواند بنا به ماده ۳۶۰ دادرسی مدنی، در دادگاه و یا مطابق به ماده ۴۱۰ دادرسی مدنی، خارج از دادگاه صورت بگیرد. گواهانی که باید در دادگاه گواهی دهند لیکن به هر دلیلی معذوریت دارند یا دادگاه مقتضی بداند، شهادت آنها در خارج از دادگاه استماع می‌شود.<sup>۵</sup> برای ادای شهادت گواهان، شرایطی وجود دارد که عبارتند از:

۱. دادگاه باید شهادت هر شاهد را بدون حضور شاهدان دیگر بشنود، تا شاهد فقط متکی به حافظه خود باشد و اظهارات شاهدان دیگر در بیان او مؤثر نباشد؛
۲. قبل از ادای شهادت مشخصات شاهد سؤال می‌شود. این امر به این دلیل است که اگر موجبات ممنوعیت او از شهادت موجود است، شهادت وی اخذ نشود؛

---

۱. به معنی افلاس و برابر ماده یک قانون اعسار: «معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا دسترسی نداشتن به مال خود قدرت پرداخت هزینه دادرسی یا دیون را نداشته باشد».

۲. امامی، حقوق مدنی، ج ۶، ص ۲۸۴.

۳. مفتاح‌الملک، ممتحن الدوله و مؤتمن الأطباء.

۴. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ص ۲۳۵.

۵. جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ص ۱۸۴.